



4 جون 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## شهرکابل شاهد رویدادهای مهم از روز چهارم تا هشتم ثور سال 1357ش

(از 24 تا 28 اپریل 1978م)

بخش دهم

### تباهی یک خانواده

#### ننگ تاریخ:

برای شرح فجایع کودتاجیان 7 ثور در داخل قصر گلخانه ارگ ریاست جمهوری و کشتار بدون چون و چرای یک عده زنان، جوانان و اطفال بیگناه بطور بسیار بیرحمانه که در تاریخ قدیم و جدید کشور هیچگاه نظیر نداشته است، عنوانی جز "ننگ تاریخ"، دیگر عنوانی را نیافتیم که افتضاح این حادثه را بطور کوتاه در یکی دو کلمه بیان کند.

"ننگ تاریخ"، یعنی آنچه که نه در فرهنگ و عنعنه دیرینه افغانستان و نه در غیرت و شهامت تاریخی مرد افغان و نه در هیچ معیار دیگر همچو ناروا صورت نگرفته و هیچ جوابی برای ندای آن طفل معصوم دو سه ساله که "گناه من چیست؟؟" و بيموجب بدست گرگان تشنه به خون کشته شده است، وجود ندارد. "ننگ تاریخ"، برای آنکه کسانی از این ماجرا زخم برداشتند و اما جان سلامت بردند، باز هم بدون گناه به زندان رفتند و از آنجا پس از سپری کردن ماه ها رنج و مشقت رها شدند و نیز چند نفری را از زندان به پولیگون بردند و در آنجا کشتند. "ننگ تاریخ"، باز هم برای آنکه حتی اجساد خونبار شهداء را مخفیانه در گودالهای گم نام انداختند و به روی شان خاک پاشیدند تا کسی از محل دفن آنها آگاه نشود. "ننگ تاریخ"، باز هم زندانی ساختن آن عده از مردان، زنان و اطفال بیگناه که مستقیماً شامل قدرت نبودند، و اما هریک را زیر نام یک خانواده به "آل یحیی" مسمی کردند و آنها را از هرکوی و برزن جمع کردند و بيموجب به زندان انداختند. "ننگ تاریخ"، برای آنکه جایزادهای شانرا تصاحب نمودند و زنان و اطفال شان را پس از یک دوره پرمشقت زندان، بدون سرپرست و غمخوار و با دستان خالی مجبور به جلای وطن و عزیمت بسوی بی سرنوشتی ساختند، درحالیکه مردان شانرا برای مدت های نامعلوم هنوز در زندان نگهداشتند. باز هم "ننگ تاریخ"، چونکه سلسله این زجرها تنها به یک گروپ مشخص "آل یحیی" منحصر نماند، بلکه همه اقشار ملت را با گذشت روزها، ماه ها و سالهای بعد دربرگرفت و همه را به عین سرنوشت گرفتار کردند، به زندان انداختند، کشتند، فراری و مهاجر ساختند و به هزار بدبختی و مصیبت دچار کردند.

در این مبحث میخواهم فقط از یک گوشه کوچک و اختصاصی عنوان "ننگ تاریخ" با ذکر نام و پیوند خانوادگی از هریک کسانی که در فاجعه داخل ارگ در شب و روز کودتا به شهادت رسیدند، از کسانی که جان سلامت بردند و بعد به زندان رفتند به شمول یک تعداد از اعضای کابینه و نیز از کسانی که زیر نام خانواده "آل یحیی" زندانی شدند، یاد کنم.

د پانو شمیره: له 1 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ

## اسمای شهداء و زندانی های خانواده:

"انا لله و انا اليه راجعون"



### الف - اسمای 18 تن اعضای خانواده محمد داوود که در رویداد شوم 7 ثور در قصر گلخانه ارگ

ریاست جمهوری بطور بیرحمانه به شهادت رسیدند: (از بالا به پایان و از چپ به راست)

- 1 - رئیس جمهور محمد داوود (68 ساله) با وایگل پسر ویس داوود (3 ساله) (عکس بالا)؛
- 2 - میرمن زینب داوود - خانم محمد داوود (خواهر شاه سابق اعلیحضرت محمد ظاهر شاه)؛
- 3 - سردار محمد نعیم (67 ساله) - سابق وزیر امور خارجه (برادر محمد داوود)؛
- 4 - محمد عمر داوود (43 ساله) (پسر ارشد محمد داوود)؛
- 5 - خالد داوود (31 ساله) (پسر دوم محمد داوود)؛
- 6 - ویس داوود (31 ساله) (پسر سوم محمد داوود) [ویس و خالد دو گانگی بودند]؛

د پانو شمیره: له 2 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

- 8 - شيما داؤد(31 ساله) و حارث داؤد(5 ساله) - (خانم و فرزند ويس داؤد - "شيما دختر تيمورشاه آصفى و بلقيس آصفى")؛
- 9 - شينكى داؤد (38 ساله) - (خانم زلمى محمود غازى "دختر دوم محمد داؤد")؛
- 10 - زرلشت (14 ساله) - (دختر چهارم محمد داؤد)؛
- 11 - هيله (13 ساله) - (دختر عمر داؤد)؛
- 12 - غزال (8 ساله) - (دختر عمر داؤد)؛
- 13 - صفورا (13 ساله) - (دختر عبدالعظيم غازى، "نواسه سردار محمد نعيم")؛
- 14 - زرمينه (41 ساله) - (دختر سردار محمد نعيم - خانم عبدالعظيم غازى)؛
- 15 - عايشه (خواهر محمد داؤد كه از دوپا فلج و به روى چوكى عراده دار حركت ميكرد)؛
- 16 - نظام الدين غازى (40 ساله) - (داماد محمد داؤد، "شوهر تورپيكي دختر ارشد محمد داؤد)؛
- 17 - ميرمن بلقيس آصفى (خانم تيمورشاه آصفى، "خواهر اعليحضرت محمدظاهرشاه")
- 18 - وايگل (3 ساله) - (پسر ويس داؤد - درآغوش پدر كلانش محمد داؤد - عكس بالا)؛
- 19 - حارث (5 ساله) - (پسر ويس داؤد - درآغوش مادرش شيما داؤد)

**ب - اسمای 16 تن از اعضای خانواده محمد داؤد كه در قصر گلخانه بودند و اما زخمى و يا سالم از فاجعه جان به سلامت بردند و همه پس از تداوى از شفاخانه به زندان پلچرخى برده شدند:**

- 1 - گللى داؤد (خانم عمر داؤد، دختر عبدالله خان ملكيار)؛
- 2 - خورشيد (دختر عبدالعظيم محمود غازى، "نواسه سردار محمد نعيم")؛
- 3 - زهرا (دختر نظام الدين غازى، "نواسه محمد داؤد")؛
- 4 - محمد داؤد محمود غازى (پسر نظام الدين غازى، "نواسه محمد داؤد")؛
- 5 - تورن (پسر تيمورشاه آصفى)؛
- 6 - هما داؤد (خانم خالد داؤد، "دختر محمد اسمعيل عثمان")؛
- 7 - زهره (دختر تيمورشاه آصفى)؛
- 8 - ميرمن زهره (خانم سردار محمد نعيم، "خواهر اعليحضرت محمد ظاهرشاه")؛
- 9 - ميرمن سلطانه نور (خانم محمد عمر نور زكريا، "خواهر اعليحضرت محمد ظاهرشاه")؛
- 10 - طارق (پسر خالد داؤد، "نواسه محمد داؤد")؛
- 11 - يحيى (پسر تيمورشاه آصفى)؛
- 12 - تورپيكي آصفى (خانم يحيى آصفى)؛
- 13 - احمد شاه (پسر يحيى آصفى)؛
- 14 - سليم (پسر يحيى آصفى)؛
- 15 - تيمورشاه آصفى (برادر ملكه حميرا و پسر ارشد احمد شاه خان وزير دربار و شوهر خواهر شاه سابق - "ميرمن بلقيس")؛ قابل ياد آوريست كه تيمورشاه آصفى با وحيد عبدالله معين وزارت خارجه حوالى عصر 7 ثور از راه وزارت خارجه از ارگ بيرون شد و حين رويداد هاى خونين شب و صبح زود 8 ثور در قصر گلخانه نبود.
- 16 - شرين گل (پرستار عايشه خواهر محمد داؤد، نيز در گلخانه حضور داشت).

د پانو شميره: له 3 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكارى ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) يادونه: دليكنيزى بنى پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ

ج - کسانیکه بر علاوه 16 تن مندرج در لست "ب"، در ارتباط با عضویت ویا منسوبیت با خانواده مسمی به "آل یحیی" متعاقب کودتا ویا در فاصله های کوتاه در محبس پلچرخي زندانی گردیدند:

#### - گروپ زنان:

1- میرمن سلطانه نور- خانم محمد عمر نور زکریا - خواهر شاه سابق؛ 2 - میرمن امینه روکی سلیمان - خانم جنرال عبدالله روکی، خواهر اعلیحضرت شاه سابق؛ 3 - روح افزا سلیمان؛ 4 - محبوبه سلیمان؛ 5 - وریشمینه سلیمان (دختر علیشاه خان سلیمان)؛ 6 - حمیده شیرزاد (خانم غلام محمد شیرزاد)؛ 7- زرمینه شیرزاد؛ 8 - شایسته شیرزاد؛ 9 - محبوبه شیرزاد؛ 10 - حمیرا غازی، 11 - عالییه غازی؛ 12 - نظیفه غازی نواز؛ 13 - لطیفه غازی؛ 14 - مروارید غازی؛ 15 - هیلې غازی؛ 16 - جمیله یوسف (خانم محمد ولی یوسف)؛ 17 - ماری نور(خانم گل احمد نور زکریا)؛ 18- رخشانه آصفی (دختر تیمور شاه آصفی)؛ 19 - رمیکه - دختر عبدالله روکی سلیمان؛ 20 -

#### - گروپ مردان:

1 - انجنیر محمد ولی یوسف پسر محمد علی خان - پسر کاکای اعلیحضرت شاه سابق، 2 - غلام محمد شیرزاد - سابق وزیر تجارت؛ 3 - یحیی شیرزاد؛ 4 - غلام غوث شیرزاد؛ 5 - زلاند شیرزاد؛ 6 - علی شیرزاد؛ 7 - احمد علی خان سلیمان - سابق وزیر دربار(در زندان به سن بیش از 80 سالگی وفات کرد)؛ 8 - عبدالعلی سلیمان - پسر احمد علی خان سلیمان؛ 9 - جنرال علیشاه خان سلیمان؛ 10 - ولی شاه (پسر علیشاه خان)؛ 11- غلام محمد سلیمان - سابق سفیر و معین وزارت خارجه؛ 12 - سلیمان سلیمان (پسر غلام محمد سلیمان)؛ 13 - محمد قادر سلیمان (داماد شاه محمود خان غازی)؛ 14 - احمد ولی - پسر مارشال شاه ولیخان؛ 15 - فریدون - پسر احمد ولی نواسه شاه ولیخان؛ 16 - داکتر قیس روکی - پسر عبدالله روکی سلیمان (جنرال عبدالله روکی سلیمان از جمله کسانی بود که فردای کودتا بازداشت گردید و روز بعد در پولیگون در جمع دیگران شهید شد)، 17 - هارون آصفی - پسر احمد شاه خان وزیر دربار (افسر پولیس)؛ 18 - گل احمد نور زکریا - رئیس پشتنی تجارتي بانک، برادر محمد عمر نور زکریا؛ 19 - صلاح الدین غازی - پسر شاه محمود خان غازی (موصوف بعد از گذشتادن چند هفته در زندان پلچرخي با چند نفر دیگر از جمله محمد اکبر رئیس دفتر ریاست جمهوری، باز محمد خان از دوستان وفادار محمد داؤد، و پسرش عبدالمجید باز به پولیگون قوای 4 برده شدند و به شهادت رسیدند)؛ 20 - محمد روکی - پسر جنرال عبدالله روکی؛ 21 - اسمای چند نفر از جوانان، از جمله نواسه های غلام محمد شیرزاد در یادداشت هایم از قلم افتاده است.

#### د - کسانیکه حین وقوع کودتای ثور در خارج بودند و جان سلامت بردند:

1 - تورپیکي - دختر ارشد محمد داؤد، خانم نظام الدین غازی که نسبت مریضی قبلاً برای تداوی به به سویس نزد خواهر خود درخانی رفته بود؛  
2 - درخانی - دختر سوم محمد داؤد (خانم داکتر توریالی نور) که در آنوقت با شوهرش و دو پسرش بنام های : محمد اکبر نور و محمد داؤد نور و دخترش که چندی قبل وفات کرد (نواسه های محمد داؤد)، در سویس زندگی میکرد؛

د پانوی شمیره: له 4 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

3 - محمد عزیز نعیم پسر سردار محمد نعیم با خانمش شاهدخت مریم دختر اعلیحضرت شاه سابق - عزیز نعیم مامور وزارت خارجه در آنوقت به حیث دیپلمات در سفارت افغانستان در لندن ایفای وظیفه میکرد؛

4 - محمد نادر نعیم - پسر محمد عزیز نعیم با والدین خود در لندن بود و فعلاً در کابل اقامت دارد؛  
5 - همه منسوبین فامیل اعلیحضرت محمد ظاهر شاه، به شمول شخص اعلیحضرت و ملکه حمیرا، شاهدخت بلقیس و شوهرش جنرال عبدالولی، شهزاده احمد شاه، شهزاده محمد نادر، شهزاده شاه محمود، شهزاده محمد داؤد پشتونیار و شهزاده میرویس با هریک از خانم ها و فرزندان شان که پس از کودتای 26 سرطان 1352 به ایتالیا و بعضی کشورهای دیگر اقامت گزین شده بودند.  
6 - سلطان محمود غازی - پسر ارشد شاه محمود خان غازی و همسرش عالییه - خواهر اعلیحضرت پادشاه سابق چندی قبل جهت دیدار اعلیحضرت به روم رفته بودند و از آنجا برای دیدن دختر شان به تهران آمدند و هنوز در آنجا بودند که کودتای 7 ثور به وقوع پیوست.

### اسمای اعضای کابینه و سرنوشت شان:

**الف -** اعضای کابینه دولت جمهوری افغانستان که همان روز 7 ثور جهت اشتراک در مجلس وزراء برطبق معمول در قصر گلخانه حضور داشتند و تا فردا 8 ثور در آنجا باقی ماندند:

- 1 - سید عبدالاله - معاون رئیس جمهور و وزیر مالیه که در جریان برخورد همان صبح شهید شد؛
- 2 - عبدالقدیر نورستانی - وزیر داخله، در هنگام شب زخمی شد و یک روز بعد در شفاخانه جان سپرد؛
- 3 - وحید عبدالله - معاون وزارت خارجه، حوالی عصر 7 ثور از ارگ بیرون شد و فردای آنروز خود را تسلیم کودتاچیان کرد و با جمعی دیگر دوسه روز بعد در پولیگون شهید شد؛
- 4 - داکتر عبدالمجید - وزیر دولت، بعد زندانی شد؛
- 5 - انجنیر عبدالکریم عطائی - وزیر مخابرات، زندانی شد؛
- 6 - پوهاند وفی الله سمیعی - وزیر عدلیه، نخست زندانی و دوسه روز بعد با جمعی دیگر در پولیگون به شهادت رسید؛ (قابل ذکر است که محمد موسی شفیق آخرین صدراعظم دوره شاهی که روز بعد کودتا بازداشت و با همین جمعیت در وزارت دفاع زندانی شده بود، نیز در جمع این گروپ در پولیگون به شهادت رسید.)
- 7 - انجنیر عبدالنواب آصفی - وزیر معادن و صنایع، زندانی شد؛
- 8 - عزیزالله واصفی - وزیر زراعت، زندانی شد؛
- 9 - پوهاند داکتر عبدالرحیم نوین - وزیر اطلاعات و کلتور، زندانی شد؛
- 10 - پوهاند داکتر عبدالله عمر - وزیر صحت عامه، زندانی شد؛
- 11 - انجنیر جمعه محمد محمدی - وزیر آب و برق، زندانی شد؛
- 12 - پوهاند عبدالقیوم وردک - وزیر قبایل، زندانی شد؛
- 13 - پوهاند داکتر غلام صدیق محبی - وزیر تحصیلات عالی، بعد از چند روز از نظارت آزاد شد؛
- 15 - محمد خان جلالر - وزیر تجارت، بعد چند روز از نظارت آزاد شد؛
- 16 - جکتورن صاحب جان - قوماندان گارد ریاست جمهوری که البته در سطح کابینه نبود، ولی نظر به اهمیت مقام او و نیز خدماتیکه در آن شب و روز فاجعه انجام داد، لازم به تذکر است که او با وجود صداقت در وظیفه، قربانی دوستی شخصی با بعضی از افسران کودتاچی گردید و پس از تسلیمی

د پانو شمیره: له 5 تر 8

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

گارد، او خود را نیز به کودتاجیان تسلیم کرد که گفته میشود روز بعد به هدایت دوستش "شیرجان مزدور یار" در محوطه رادیو افغانستان به شهادت رسید.

**ب -** وزرایی که در همان روز در ارگ و در مجلس وزراء حضور نداشتند:

1 - دگرجنرال غلام حیدر رسولی - وزیر دفاع ملی ( او از صبح زود 7 ثورنخست به فرقه 7 ریشخور رفت و بعد به وزارت دفاع برگشت و پس از فیر وطنجار روانه فرقه 8 و از آنجا پای پیاده با لوی درستیر جنرال عبدالعزیز بطرف قوای مرکز رفت و با جنرال عبدالعلی وردک - رئیس ارکان قوای مرکزحوالی شب به عزم رفتن و بسیج قوای مدافع به فرقه 7 رهسپار و از آن به بعد لادرک گردید تا آنکه با دو جنرال معیتی اش بروز 8 ثور بدشت کودتاجیان اسیر و هرسه شهید شدند.

2 - غوث الدین فایق - وزیر فوائد عامه برای اجرای امور به پکتیا رفته بود؛

3 - پوهاند داکتر محمد ابراهیم مجید سراج - وزیر معارف نیز همان روز درمجلس وزراء حاضر نبود (شاید به دلیل مرضی)

### نگاه مختصر به معرفی نَسَبی خانواده مشهور "آل یحیی":

از روز 7 ثور به بعد نام خانواده "آل یحیی" ورد زبان روزنامه ها، جراید، رادیو و تلویزیون رژیم خلقی - پرچمی گردید و آنها شعار های مذمت بار را در گردهمآئی ها یا به اصطلاح خود شان "میتنگ" های حزبی و دیگر مواقع حق یا ناحق نثار این خانواده میکردند، خانواده ای که بعد از برگشت از تبعید به وطن در سریر حرمت و قدرت، از مصاحبت با پادشاه تا خود به پادشاهی رسیدن، قرار داشتند و همیشه با آسوده حالی و داشتن مقام های عالی گذرانیدند. اولین تیر کودتای ثور بسوی همین خانواده حواله شد که با شهادت محمد داؤد و تعداد 17 نفر دیگر این رخنه بازگردید و قدم بقدم بساط این خانواده برچیده و از هم پاشیده شد.

وقتی از بعضی اشخاص در این ارتباط نام گرفته میشوند، برای نسل جوان مشکل خواهد بود تا پیوندها را، البته با تشابه بعضی نامها بشناسد و آنها را از هم تفکیک نماید. لذا بيمورد نخواهد بود، از شجره ای نَسَبی این خانواده بزرگ مختصر یادآوری شود:

سرداریحیی خان پسرسلطان محمد خان "طلائی" و خسر امیرمحمدیعقوب خان بود که انگلیسها براو مظنون شدند و او را در سال 1276ش (1897م) به هند برتانوی تبعید کردند. وقتی امیرعبدالرحمن خان به سلطنت رسید، از انگلیسها تقاضا کرد تا خانواده یحیی خان را نیز از کابل دور کرده ودر هند مقیم سازند. این خانواده مدت 23 سال را با تمام آل و بیبیت در هند بسربردند واکثر فرزندان شان در همانجا چشم به دنیا گشوده، به مکتب رفتند و با محیط فرهنگی هند برتانوی آشنا شدند. با شدت مرضی امیرعبدالرحمن خان انگلیسها کوشیدند تا موافقت امیر را مبنی بر مراجعت خانواده سردار یحیی خان از تبعید گاه شان در هند کسب کنند. امیر در آخر عمر با اینکار موافقت کرد و همان بود که به دو فرزند سردار مذکور هریک سردار محمدیوسف خان و سردار محمدآصف خان به شمول خانواده سردار زکریا خان را با همه فرزندان در سال 1280ش (1901م) از "دیره دون" هند به وطن اجازه برگشت داد. بعد از وفات امیر فضای خانواده گی بخصوص بعد از ازدواج امیرحبیب الله خان سراج الملة با صبیبه سردارمحمدیوسف خان (محبوب سلطان نورالرحم بعداً ملقب به علیا جناب) بسیار صمیمی گردید و هر دو برادر به حیث صاحبان خاص امیر و فرزندانشان که تعلیم دیده و جوان بودند، هریک به مقام های بلند دربار عز تقرر حاصل کردند. از آن به بعد با احتیاط و زیرکی که خاصه این

خانواده بود، ستاره اقبال همه جوانان شان روبه عروج گذاشت و مدارج و مقام های نظامی و ملکی را به سرعت یکی پی دیگر پیمودند.

تبعید طولانی برای این خانواده چند خصوصیت بارز را بار آورد که ممد راه آینده شان بسوی قدرت و سلطنت در افغانستان گردید: آنها به حیث یک اقلیت در سرزمین بیگانه همیشه در یک حلقه خانواده گی فشرده، باهم متحد و پرتفاهم فارغ از رقابتهای درونی بار آمدند، تعلیم دیدند و به زبانهای انگلیسی و اردو مسلط شدند و با تجدد و افکار عصری آشنا گردیدند. برای درک بهتر این موضوع لازم است تا نظر مختصر به سلسله خانوادگی آنها انداخت، با این شرح:

خانم سردار یحیی خان یعنی مادر سردار محمد یوسف خان و سردار محمد آصف خان "همدم" نام داشت (دختر وزیر محمد اکبر خان غازی) و یکی از دختران یحیی خان بنام "رقیه" خانم امیر محمد یعقوب خان بود. سردار یوسف خان سه زن داشت: از زن اول مسلمات "شرف سلطانه" یک دختر به اسم "محبوب سلطان" (بعداً ملقب به "علیا جناب") داشت که با امیر حبیب الله خان سراج الممت ازدواج کرد و یگانه فرزندش سردار اسد الله خان سراج بود و سه پسر داشت، هر یک: 1- محمد نادر خان بعداً پادشاه، 2- شاه ولی خان بعداً سفیر در لندن و پاریس که با "صفیه" ملقب به "ثمر السراج"، خواهر شاه امان الله غازی ازدواج کرد (پدر سردار عبدالولی)، 3- شاه محمود خان بعداً وزیر حربیه و صدراعظم که با "صفورا" ملقب به "قمر البنات" دختر امیر حبیب الله خان سراج ازدواج کرد.

سردار یحیی خان از زن دوم بنام "مستوره" (از نواده های سردار محمد عظیم خان) سه پسر داشت: 1- محمد هاشم خان بعداً صدر اعظم؛ 2 - محمد علی خان و 3- محمد عزیز خان بعداً سفیر در جرمنی - پدر محمد داؤد خان بعداً صدر اعظم و در اخیر رئیس جمهور و محمد نعیم خان بعداً وزیر خارجه ( و از زن سوم به اسم "شمسی" چهار دختر داشت: 1- تاج سلطانه - خانم سردار محمد سلیمان خان 2- "شهزاده" - خانم میر محمد حیدر حسین هراتی یگانه مرد خارج خانواده و بعداً وزیر مالیه که از طرف مادر با سلاله امیر شیر علی خان پیوند داشت، 3- "شیرین تاج" - خانم سردار محمد یونس خان پسر امیر محمد یعقوب خان 4- "ذلیخا" - خانم سردار شیر احمد خان زکریا بعداً رئیس شورا، پدر غلام محمد شیرزاد بعداً وزیر تجارت).

سردار محمد آصف خان که احفاد او "آصفی" و بعضی "سلیمان" تخلص میکنند، نیز چهار زن داشت: از زن اول "زینب" نواسه امیر دوست محمد خان، یک پسر بنام سردار محمد سلیمان خان (پدر احمد علی خان سلیمان بعداً وزیر دربار و سفیر و علی شاه خان سلیمان و متباقی خانواده "سلیمان" منسوب به همین شخص است) و یک دختر به اسم "بلقیس" - خانم سردار محمد رفیق خان. از زن دوم بنام "مروارید" یک پسر (سردار احمد شاه خان بعداً وزیر دربار - پدر ملکه حمیرا) و سه دختر به نامهای: 1- "خورشید" - خانم محمد عزیز خان و مادر محمد داؤد خان و محمد نعیم خان 2- "ماه پرور" بعداً ملکه - خانم محمد نادر شاه و مادر محمد ظاهر شاه 3- "گوهر" - خانم سردار عبدالغنی خان از احفاد سلطان محمد خان طلائئ، و از زن سوم به اسم "هاجره" سه دختر، هر یک: 1- "صابره" - خانم نور محمد خان زکریا، 2- "خاور" - خانم محمد اکبر خان، 3- "سردار بیگم" - خانم عبدالرشید خان، و از زن چهارم بنام "صنوبر" - یک پسر محمد کریم خان).

محمد نادر شاه فقط یک خانم داشت (ملکه "ماه پرور" - دختر سردار محمد آصف خان کاکایش) که از او دو پسر (محمد ظاهر - در جوانی فوت کرد، و محمد ظاهر بعداً پادشاه افغانستان برای چهل سال) و پنج دختر به نامهای: 1- "طاهره" که در زندان سکوی وفات کرد، 2- "زهرة" - خانم سردار محمد نعیم خان

3- "زینب" - خانم محمد داؤد صدرعظم وبعداً رئیس جمهور 4- "سلطانہ" - خانم محمد عمر نور زکریا، 5- "بلیس" - خانم تیمورشاه آصفی پسر سردار احمد شاه خان وزیردربار).

شہزادہ محمدظاہر شاہ در 17 سالگی باحمیرا (15سالہ) صبیہ ارشد سردار احمدشاہ خان (وزیردربار) درخزان 1310ش درارگ کابل ازدواج کرد. ملکہ حمیرا نواسہ محمد آصف خان (عم محمدنادرشاہ) است وازطرف مادر بہ خانوادہ شاغاسی شیردلخان لویناب نسبت دارد. احمدشاہ خان دوخانم داشت: خانم اول بہ اسم "زرین" - دخترشاغاسی خوشدلخان (یگانہ خواہر علی احمدخان والی) بود کہ یک پسر (تیمورشاه آصفی کہ با بلیس خواہر محمدظاہر شاہ ازدواج کرد) وچہار دختر بہ دنیا آورد کہ ہریک: ملکہ حمیرا، عالیہ - خانم سلطان محمدغازی پسرشاہ محمودخان غازی، میمونہ - خانم محمد عتیق رفیق، وامینہ - خانم جنرال عبداللہ روکی سلیمان بودند. خانم دوم احمدشاہ خان بہ اسم "حلیمہ" (نواسہ امیرمحمدیعقوب خان) بود کہ دوپسر بنامہای (ہمایون شاہ آصفی و ہارون آصفی) وسہ دختر بہ اسمای ہریک (مریم، لیلا و زہرہ) داشت کہ بہ استثنای ہمایون شاہ، ہمہ اینہا برخلاف معمول، خارج از حلقہ خانوادگی ازدواج کردند.

حاصل ازدواج ملکہ حمیرا با اعلیحضرت محمدظاہر شاہ دو دختر وشش پسر بود، ہریک: بلیس(متولد 1932- ازدواج باجنرال عبدالولی پسرمارشال شاہ ولیخان عموی پادشاہ؛ مریم (متولد 1937- ازدواج با محمد عزیزنعیم - خواہرزادہ شاہ وپسر سردار محمدنعیم)؛ محمداکبر (متولد 1933- در 9 سالگی وفات کرد)؛ احمدشاہ (متولد 1934- ازدواج با خاتول نور- دختر سلطانہ خواہر شاہ)؛ محمدنادر(متولد 1941 ازدواج با لیلماحسینی کہ مادرش دختر سردار سلیمان خان بود)؛ شاہ محمود (متولد 1946 ازدواج با محبوبہ غازی - صبیہ شاہ محمود خان غازی)؛ محمدداؤد پشتونیار (متولد 1949 ازدواج با فاطمہ عارف - صبیہ جنرال محمدعارف)؛ میرویس (متولد 1957 کہ تاحال ازدواج نکرده است). ہمہ این فرزندان شاہ درشہر کابل بدنیآ آمدہ ودر کابل بہ مکتب رفتہ اند. محمد داؤد پشتونیار در 1980 وشاہ محمود در 2003 چشم از جہان پوشیدند وباقی فرزندان محمدظاہر شاہ حیات دارند. ملکہ حمیرا نیز بتاریخ 27 جون 2002 بہ عمر 86 سالگی در روم وفات کرد کہ جنازہ او بہ کابل انتقال یافت و شخص اعلیحضرت پادشاہ سابق پس از تقریباً 30 سال اقامت در ایتالیا بہ وطن برگشت کرد و بتاریخ اول اسد 1386ش (23 جون 2007م) در کابل چشم از جہان پوشید و درحضرہ آبائی شان درتپہ مرنجان درجوار مقبرہ اعلیحضرت محمدنادرشاہ بخاک سپردہ شد. (دیدہ شود: کتاب "زنان افغان زیر فشار عنعنہ و تجدد"، تألیف: داکتر سیدعبداللہ کاظم، چاپ کابل، 2005، صفحات 207 تا 209 و صفحہ 230 و 231)

(ادامہ دارد)

د پانو شمیرہ: له 8 تر 8

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ